

بررسی مولفه‌های مشترک معماری و سینما

حسین سلیمانی^۱، جعفر طاهری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه فردوسی مشهد، h.soleymani89@gmail.com
۲- استادیار دانشکده معماری، شهرسازی و هنر اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، j.taheri@um.ac.ir

چکیدہ

مباحث و سمینارهای فراوانی که در مورد ارتباط بین معماری و سینما برگزار شده، نشان از موضوعات مشترک بین دو رشته می‌باشد. هر دو رشته زمان، فضا، نور، رنگ و صدا را دستکاری می‌کنند؛ در سینما، برای تقویت روایت از یک فیلم، و در معماری، به منظور آشکار کردن ایده‌های پشت یک طراحی. معماری و سینما مجموعه‌ای از هنر و فکری هستند که به کمک داستان‌توانی معمار و فیلم‌ساز درهم آمیخته‌اند. معماری و سینما هر دو به ایجاد فضا و روح زندگی می‌پردازند و در فرایند ادراک فضا، هر دو هنر به اصول مشترکی پایبندند. یکی از مباحث عمده در بررسی رابطه میان معماری و سینما، آن است که چگونه هر یک از این دو حوزه می‌تواند در ارتقا و پیشرفت حوزه‌ی دیگر موثر باشد. به عبارتی چگونه کسب آگاهی در زمینه‌ی معماری می‌تواند به یک سینماگر در ساختن اثری بهتر یاری رساند و به عکس، سینما چگونه می‌تواند به حرفه‌ی معماری کمک کند؟ در نگاه اول به نظر می‌رسد که در این رابطه متقابل، اهمیت شناخت معمارانه و تسلط بر هنر فضاسازی برای سینماگران به مراتب ملموس‌تر و شناخته‌شده‌تر از اهمیتی است که سینما می‌تواند در یاری رساندن به معماران و شهرسازان داشته باشد، اما باید گفت که سینما از جوانب مختلفی می‌تواند در حوزه‌های معماری اثرگذار باشد. در این تحقیق مولفه‌های مشترک و تاثیرگذار این دو رشته معرفی و بحث‌ای نظری مربوط به هر کدام ارایه می‌شود. با مقایسه‌ی نظری هر یک از این مولفه‌ها به شناخت بهتری از کارکرد آنها در سینما و معماری می‌رسیم.

واژه‌های کلیدی: معماری، سینما، فضا، زمان، حرکت، نور، رنگ

١- مقدمه

از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، معماری اشتیاقی فراوان به ایجاد پیوند با دیگر عرصه‌های هنری، جهت غنی‌تر کردن عرصه‌های فضا سازی، از خود نشان داده است. در همین زمان کنکاشی پیش‌بینی نشده پیرامون نظریات بنیادین معماری شکل گرفته و تقریباً هرگونه رویکرد تئوریک در حوزه‌های مختلف را در خود جای داده است. موسیقی، با ذات مجرد خود، از گذشته به عنوان نزدیک‌ترین فرم هنری به معماری تلقی شده، در حالی که سینما از آن هم به معماری نزدیک‌تر است: نه تنها به خاطر ساختار فضایی و وابسته به زمانش، بلکه اساساً به این خاطر که هم معماری و هم سینما هر دو از تجربه‌ی فضا سخن می‌گویند و صحنه‌هایی برای تجربه‌ی شرایط مختلف زندگی می‌آفرینند.

جایگاه ما در برابر این دو رشته وضعیت دوگانه‌ای دارد: یکی وضعیتی که بر اساس همانندی استوار است و دومی وضعیتی بر اساس ناهمانندی: وجه همانند فیلم و اثر معماری این است که ما به عنوان ناظر از بیرون یک ارتباط دیداری با این دو پدیده برقرار می‌کنیم و در گام بعدی وارد دنیای معماری یا فیلم می‌شویم. در مورد معماری این ورود به طور فیزیکی انجام می‌شود ولی در مورد فیلم به طور ذهنی. وجه دوم که بر ناهمانندی استوار است، بحث پویایی و ایستایی است. معماری ایستا است، یک کالبد ایستای شکل گرفته که ظاهراً حرکتی ندارد و این ناظر است که در درون این جهان حرکت می‌کند. این حرکت می‌تواند